

## الوهیت مسیح (ع)!

✽ پرستش عیسی (ع)

✽ بندگی و عبودیت عیسی (ع)

✽ ممنوعیت تحقیق و محکمه تفتیش

\* \* \*

✽ پرستش عیسی (ع)

همان طور که در مقاله پیش اشاره شد ، الوهیت عیسی و شرکت او با خداوند  
بعقیده مسیحی ها در موضوع عبادت بود و او را مانند خدای خالق ، شایسته پرستش  
می دانند. در قاموس کتاب مقدس در کلمه نماز باین مطلب تصریح نموده و میگوید:

والبتة اگر به خود مسیح یا بروح القدس هم نماز کنیم بر جاو  
صحیح خواهد بود، زیرا که آنها نیز از جوهر الهی میباشند.

و برای اثبات مطلب به آیاتی از کتب عهد جدید نیز استشهد نموده است و از  
طرف دیگر در همین کلمه نماز تصریح میکند که : «نماز جز به حضرت ایزد تعالی  
بدیگری بجا آورده نمی شود ، و برای اثبات این مطلب هم به آیه ۱۰ فصل  
چهارم انجیل متی استدلال می نماید ، و آن آیه این است : و او را فقط  
عبادت نما .

و نیز همان گونه که مسیحیت برای جمع میان دو عقیده توحید (که اول دستور  
عیسی (ع) است) و تثلیث (که از اصول اولیه عقاید کلیسا میباشد) دست بدامن حلول  
و اتحاد غیر معقول زده است ، در اینجا نیز برای جمع میان توحید در عبادت «فقط خدا  
پرستی» و تثلیث در عبادت «شرکت دادن عیسی و روح القدس را در عبادت» از این حلال  
مشکلات استفاده نموده و چون عیسی و روح القدس را از خدا جدا نمی داند ؛ عبادت آنها

را عبادت خدا شمرده است و از این رو برای تصحیح پرستش مسیح و روح القدس در عبادت بالا این جمله آورده شده است : زیرا که آنها نیز از جوهر الهی میباشند.

یعنی در حقیقت فرقی میان عیسی (ع) و روح القدس و خدا نیست، و اگر آنها را هم عبادت نمائیم خدا را عبادت نموده ایم ، و باین طریق خواسته اند تضاد و تناقض میان توحید و تثلیث در عبادت را مرتفع ساخته و شرک در عبادت را که حضرت عیسی (ع) و سایر انبیاء با آن مبارزه نموده اند تصحیح و تقویت نمایند .

### بندگی و عبودیت عیسی (ع)

مادر مقالات گذشته در بطلان حلول و اتحاد بنفصیل بحث نموده و گفتیم علاوه بر اینکه حلول و اتحاد معمای تثلیث را حل نمی کند ، برای خود آن هم معنای صحیح و معقولی نمی توان یافت ، در اینجا نیز میگوئیم با بطلان حلول و اتحاد، عیسی (ع) و روح القدس از جوهر الهی نبوده و باین ملاحظه عبادت آنها عبادت غیر خدا است که با مفاد آیه و او را فقط عبادت آنها کاملاً ناسازگار بوده و بهیچوجه نمی توان او را توجیه و تصحیح نمود .

گذشته از اینکه در کتب عهد جدید ، عبادت و نماز و دعای عیسی را در پیشگاه خداوند که کاملاً دلالت بر بندگی او داشته و منافات با خدائی او دارد نقل نموده که از آن جمله است : چون عیسی (ع) مردم را روانه نمود ، بخلوت برای عبادت بر فراز کوهی آمد ، و وقت شام آنجا تنها بود (متی ۱۴ : ۲۳)

با مدادان قبل از صبح بر خاسته بیرون رفت ؛ و بویرانهای رسیده ، در آنجا بدعا مشغول شد (مرقس ۱ : ۳۵)

او بویرانها عزلت جسته بعبادت مشغول شد (لوقا ۵ : ۱۶)

پس قدری پیشرفته بروی در افتاد و دعا کرده گفت: ای پدر اگر ممکن باشد

این پیاله (۱) از من بگذرد (متی ۲۶ : ۳۹)

(۱) مراد از پیاله در اینجا مرگ است ، زیرا این دعا را هنگامی نمود ، که از

گرفتاری خود در نزد شاگردان خبر میداد و با تصریح از خدا میخواست که این حادثه را از وی بگرداند .

راستی اگر عیسی (ع) خداست چرا نمی تواند مرگ را از خود بگرداند و با کمال عجز خدا را میخواند ، و نجات خود را از او میخواهد؟

و اگر او خداست و یا از جوهر خدایم باشد ، عبادت او برای خدا چه معنا دارد مگر خدایم عبادت میکند؟

نویسنده قاموس کتاب مقدس ، برای دفاع از این اشکال بیان مضحکی باین شرح نقل می نماید :

«والبتّه از وضع اظهارات بواضحی معلوم است که ایندعا در خواست شخص ضعیف از قوی و یا استدعای شخصی بست از شخصی اعلا و اعظم نمی باشد ، بلکه گفتگوی شخصی با عدیل خود می باشد» .

ما نمیدانیم دعا و حاجت خواستن ضعیف از قوی چطور است که ایشان ایندعا را دعای شخصی از عدیل و همپایه خود گرفته است؟

آیا دعای عاجزانه مسیح (ع) در کمال خضوع برای نجات از مرگ و رهایی از دست دشمنان در شب حادثه ، دعای ضعیف از قوی نیست؟

آیا ضعفی از این بالاتر می شود ؛ که انسانی خود را در چنگال مرگ گرفتار ببیند . و نتواند مرگ را از خود بگرداند ؟

آیا بر افتادن و گفتن اگر ممکن باشد این شربت ناگوار مرگ از من بگذرد نشانه تضرع و عبودیت بنده شایسته خدا عیسی (ع) نیست؟

و اگر عیسی (ع) خود را چنین بنده ای خاضع در پیشگاه الهی میداند خدا خواندن و معبود ساختن او چه معنی دارد ؟ قضاوت با خردمندان !

بدیهی است که شریک ساختن مخلوق ضعیفی را که قادر بر هیچ سود و زبانی برای خود و دیگران نیست با خدائی که سرچشمه همه کمالات بوده و تمام امور از خوشبختی و بدبختی و عزت و ذلت و مرگ و زندگی در دست قدرت اوست ؛ بزرگترین ظلم است .

درست است عیسی (ع) دارای فضائل و کمالاتی است از قبیل تولد خاص و خارق العاده ، او از مادر بدون پدر ؛ و ظهور معجزات و خوارق عادات از آنحضرت مانند زنده ساختن مردگان و بینا ساختن کوران ، و شفا بخشی بیماران ؛ ولی هیچیک از

این فضیلت‌ها او را از بشریت خارج نساخته؛ و بسرحد الوهیت نمی‌رساند، زیرا اگر عیسی (ع) بدون پدر بدنی آمده‌آدم بدون پدر و مادر بوجود آمده است، با اینکه مسیحی‌ها آدم را با این وجود خارق‌العاده خدائی دانند، و همچنین اگر در کتب آسمانی معجزاتی برای عیسی (ع) نقل شده، در همان کتب مشابه همان معجزات را برای پیغمبران دیگر که مسیحی‌ها آنها را نیز خدائی دانند ذکر گردیده و در همان کتب این نکته بیان شده که هیچ پیغمبری نمی‌تواند کاری معجز آسا انجام دهد مگر با اجازه خدا؛ در این صورت معجزه‌های عیسی (ع) و غیر عیسی کارهایی است که به امر خداوند در دست آنها صورت گرفته است و گرنه خود آنها بطور استقلال نمی‌توانند کاری انجام دهند تا با خدا شریک گردیده، و سزاوار پرستش باشند.

### ❦ منوعیت تحقیق و محکمه تفتیش

مسیحیت از آنجا که قادر بجوابگویی از اشکالات تثلیث نبود می‌ترسید که در اثر کنجکاوای راز از پرده بیرون افتاده و حقیقت آشکار گردد، این مسئله را یک موضوع غیر قابل بحث معرفی نموده بطوریکه پیروان کلیسا باید بدون تحقیق و بررسی، این عقیده را بعنوان يك اصل مسلم دینی، بدون چون و چرا بپذیرند، چنانکه در قاموس کتاب مقدس در کلمه خدا می‌گوید:

دولی مسئله تثلیث در عهد عتیق و عهد جدید مخفی و غیر واضح است و عبارت دیگر این موضوع نیز از اسراری است که هیچکس حق فهم آن را ندارد و پابین اندازه از پرده پوشی هم اکتفا نکرده و برای کنترل عقاید و افکار مردم محکمه تفتیش عقاید را تشکیل داده، و ملیونها نفر را بجرم تحقیق در مسائل مذهبی کشته و یا زنده سوزاندند که از جمله آنها میشل سروت، (۱) طبیب معروف اسپانی و جنتلی (۲) محقق دانشمندان بجرم انکار تثلیث زنده زنده سوزاندند (۳)

این تندروها و سخنگیری‌ها و سر پوش نهادن بر فهم ها و عقلا از طرف ارباب کلیسا، موجب شد که دانشمندان:ین را با علم و عقل مخالف تشخیص داده،

و پذیرفتن دین رامساوی با خرافی شدن ، و نفهمیده و نسنجیده هر مطلبی را بنام مقدسات مذهبی پذیرفتن دانسته ، و بی دینی و بی علائگی به مراسم دینی را روشن-فکری تلقی کنند ؛ و متأسفانه بدون تحقیق و بررسی ، دین مقدس اسلام را هم بدین کلیساقیاس کرده تا آنجا که بخود اجازه نمیدهند که درباره این دین که بر اساس عقل و فطرت استوار است مطالعه نموده و حقیقت را دریابند .

این بود بحث ما از نظر مطالب غیر معقول کتب عهدین «تورات و انجیل کنونی» که دلیل بر تحریف و تغییر آنهاست و البته ما در این مباحث در صد بیان همه تناقضات و اشکالات این کتب نبوده ، و منظور ما به تناسب این مبحث ، فقط نشان دادن نمونه هائی از این کتب بود که با منطق عقل ناسازگار است .

و چون مقصود ما سنجش این مسائل با میزان خرد بود ، بحث را صد درصد عقلی به پایان رسانیده ، تا آنجا که از بیان آیات شریفه قرآن ، که مشتمل بر بهترین براهین عقلی ، و محکمترین استدلالات منطقی در این موضوع بود صرف نظر نمودیم .

## نیازمندیهای عمومی

ثلاثة اشياء يحتاج اليه الناس طراً : الامن ، والعدل ؛

والخصب .

سه چیز است که همه مردمان بدانها نیازمندند امنیت ؛

عدالت ؛ فراوانی نعمت .»

(امام صادق علیه السلام)